

بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن

محسن پالیزبان*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۶/۱۲/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۷/۲/۲۴)

چکیده:

در این پژوهش میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن بررسی می شود. این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده و در آن داده های ۶۶۷ پرسشنامه از مجموع ۷۰۰ پرسشنامه توزیع شده بین دانشجویان یازده دانشگاه دولتی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. یافته های حاصل از پژوهش بیانگر آن است که میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان «کم» است. بر اساس تحلیل های آماری انجام شده وجود رابطه مثبت بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با احساس کارایی سیاسی، حساسیت سیاسی و آگاهی سیاسی آنها تأیید شده است. بر همین اساس، رابطه ای بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان و میزان تمایل آنها به مشارکت سیاسی وجود ندارد

واژگان کلیدی:

مشارکت سیاسی، دانشجویان، دانشگاه های دولتی شهر تهران، احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی، حساسیت سیاسی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی

* Email: palizban86@gmail.com

از این نویسنده تاکنون مقاله ذیل در همین مجله منتشر شده است:

"رویکردهای متفاوت نسبت به جمهوریت و اسلامی در جمهوری اسلامی ایران"، دوره ۳۹، شماره ۳، سال ۱۳۸۸.

طرح مسئله

نوسازی (توسعه) اجبارها و فشارهایی را جهت مشارکت سیاسی پدید آورده است. گذار از پادشاهی به جمهوری، از حکومت استعماری به حکومت مستقل، از نظام بدون حزب به نظام حزبی، از حق رأی انحصاری به حق رأی عمومی و از حکومت استبدادی به مردم سالاری، همگی بیانگر مناسباتی جدید بین ملت و دولت و اشکال جدید مشارکت سیاسی هستند. مشارکت مردم و به خصوص مشارکت نخبگان فکری از جمله دانشجویان در مسائل سیاسی و اجتماعی، ثبات و پایداری و کارآمدی نظام سیاسی را در پی خواهد داشت. به منظور تأمین امنیت ملی باید بر نارضایتی سیاسی از طریق ساز و کارهای توسعه سیاسی غلبه کرد که نمود آن در تحقق «مشارکت سیاسی حداکثری» متجلی می شود.

آسیب پذیری دانشجویان و وابستگی توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به دانشجویان و از طرفی تحول پذیری، قابلیت انعطاف و تطابق و رشد سریع، استعداد و تحرک آنان باعث شده کشورهای در حال توسعه توجهی ویژه به این قشر داشته باشند. دانشجویان ایرانی در گذشته به خصوص در وقایع انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس مشارکت گسترده از خود نشان دادند. دانشجویی امروز ایرانی تمایلی به مشارکت سیاسی از خود نشان نمی دهد. این مشکل می تواند بر امنیت ملی کشور تاثیر منفی داشته باشد. شناخت عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان می تواند به آگاهی و بینش مسؤولین در جهت تقویت مشارکت سیاسی دانشجویان افزوده و به آنها در جهت رفع موانع مشارکت کمک کند. با استفاده از مشارکت سیاسی دانشجویان می توان از ظرفیت و قابلیت های آنان در جهت اعتلا و پیشرفت کشور بهره برداری کرد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه های موجود در ارتباط با این پژوهش هر کدام متغیرهایی خاص را برجسته کرده و ابعادی از موضوع را تبیین می کنند. بنابراین در این پژوهش از چارچوب نظری تلفیقی جهت غنای نظری و توان تبیین جامع عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی بهره برداری می شود. به این منظور در رویکرد روان شناسی با استفاده از نظریه احساس کارایی سیاسی رابرت دال (R. Dahl)، مایکل راش (M. Rush) و گیدنز (A. Giddense)، نظریه بیگانگی سیاسی ملوین سیمن (M. Simun)، یورگن هابرماس (J. Habermas)، ماری لوین (M. Levin) و نظریه مبادله هومنز (G. Homans) و ریتزر (G. Ritzer) به تبیین عوامل مؤثر بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی پرداخته می شود. همین طور در رویکرد مدرنیزاسیون با استفاده از نظریه هانتینگتون (S. Huntington)، در رویکرد کنش متقابل نمادین با استفاده از نظریه های لیپست (S. M. Lipset)،

هربرت مید (H. Mead) و هایمن (H. Hyman) و در رویکرد کارکردگرایی ساختاری با استفاده از نظریه پارسونز (T. parsons) عوامل مؤثر بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی تبیین شده است. به این صورت که با استخراج متغیرهایی از نظریه‌های فوق مدل نظری پژوهش ارائه می‌شود. متغیرهای مورد نظر عبارتند از: احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی، حساسیت سیاسی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی.

از مشارکت سیاسی تعاریف متنوع ارائه شده است که در هر کدام به جنبه یا جنبه‌هایی از مشارکت سیاسی تکیه بیشتر شده است. راش مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌داند. مشارکت سیاسی را می‌توان فعالیتی داوطلبانه دانست که بسوسیله آن اعضای جامعه با گزینش حکومتمتگران به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری سیاست عمومی سهیم می‌شوند همین طور مشارکت سیاسی را می‌توان شامل آن دسته از اعمال شهروندان دانست که سعی دارند سیاست و حکومت را تحت تأثیر یا پشتیبانی قرار دهند.

از نظر بسیاری از صاحب نظران، شرکت مردم در انتخابات ملی و رای دادن آنها به نامزد مورد نظر، شاخص مشارکت سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. ولی چنین شاخصی نمی‌تواند بیانگر مشارکت واقعی مردم باشد؛ زیرا باید بین مشارکت آگاهانه، ارادی و واقعی مردم با مشارکت اجباری و برانگیخته تمایز قائل شد. ممکن است در یک جامعه توده‌ای، شهروندان به آسانی تحت تأثیر و نفوذ نخبگان سیاسی قرار گیرند؛ یا اینکه حضور افراد در پای صندوق‌های رای اجباری باشد، در این صورت مشارکت شهروندان واقعی نخواهد بود.

علاوه بر این، معیار مشارکت سیاسی در جوامع مختلف فرق می‌کند. به این معنی که ممکن است در یک جامعه رای دادن بیشترین میزان مشارکت سیاسی تلقی شود؛ در حالی که در جامعه دیگر، دارا بودن منصب سیاسی بیشترین میزان مشارکت سیاسی تلقی شود. بنابراین، برای مطالعه مشارکت سیاسی، بررسی اشکال، ابعاد و عمق مشارکت بر اساس فهم کنش‌گران سیاسی هر جامعه ضروری است.

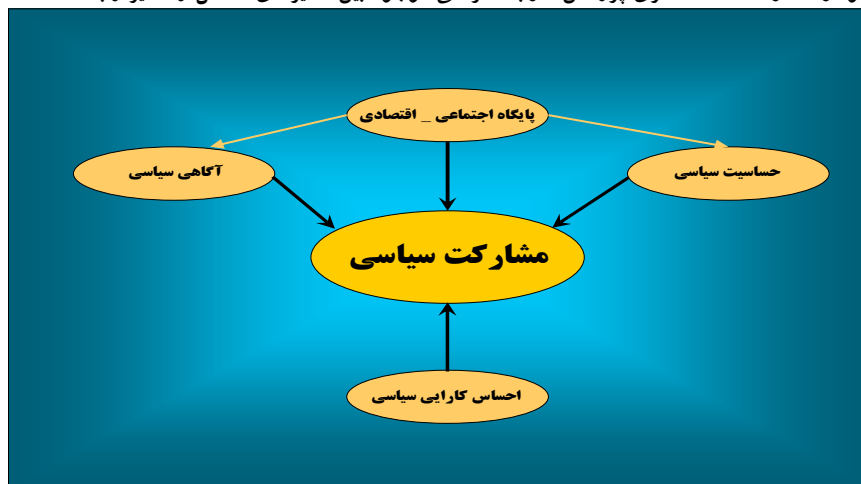
مشارکت سیاسی دارای سطوح مختلف است که محققان مختلف از آن به عنوان سلسله مراتب مشارکت سیاسی نام می‌برند که بیانگر عمق مشارکت سیاسی است. میلبراث و راش مدل‌هایی را ارائه می‌کنند که به نظر خودشان همه انواع و طیف‌های مشارکت سیاسی در هر نوع نظام سیاسی را در بر می‌گیرد. در این مدل‌ها داشتن مقام سیاسی و اجرایی در بالاترین سطح و رای دادن در پایین‌ترین سطح مشارکت سیاسی قرار دارد. به طور کلی متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی را می‌توان به دو دسته متغیرهای درونی (متغیرهای روان‌شناختی) و متغیرهای بیرونی (شرایط اجتماعی و سیاسی) تقسیم کرد.

فرضیه های تحقیق

در بررسی رابطه متغیر وابسته (مشارکت سیاسی دانشجویان) با متغیرهای مستقل عنوان شده به فرضیه هایی می‌رسیم که به ارزیابی آنها خواهیم پرداخت. بر اساس این فرضیه ها به نظر می‌رسد:

- میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان کم باشد.
- بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان با، احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی، حساسیت سیاسی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

نمودار شماره (۱) مدل نظری پژوهش (رابطه فرضی موجود بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته)



روش تحقیق و تکنیک جمع آوری اطلاعات

پژوهش حاضر با روش پیمایش در روزهای نهم و دهم خرداد ۱۳۸۴ در یازده دانشگاه دولتی شهر تهران به شرح زیر انجام شده است: تهران، علامه، صنعتی شریف، شهید بهشتی، علم و صنعت، الزهرا(س)، خواجه نصیر، هنر، تربیت معلم، امیرکبیر و تربیت مدرس. واقع شدن پژوهش در ایام نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با توجه به شرایط کلی جامعه و آمادگی ذهنی دانشجویان در آن مقطع بر دقت و اعتبار تحقیق می‌افزاید. تکنیک مورد نظر در این پژوهش استفاده از پرسشنامه با اعتبار و روایی مطلوب است. به این منظور، پرسشنامه‌ای شامل ۸۸ پرسش بسته و نیمه باز بر اساس متغیرهای وابسته و مستقل مورد نظر و شاخص‌های ساخته شده و در سطوح اندازه‌گیری فاصله ای و ترتیبی از نوع طیف لیکرت طراحی شد. پرسشنامه‌ها بوسیله پاسخگو و بدون دخالت و راهنمایی پرسش‌گر تکمیل،

سپس داده های به دست آمده پس از امتیازبندی و کدگذاری با استفاده از نرم افزار SPSS توصیف و تبیین شده اند.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران است که طبق آمار مؤسسه پژوهشی و برنامه ریزی وزارت علوم $N=68800$ نفر هستند. حجم نمونه برآورد شده به وسیله فرمول کوکران برابر ۶۹۴ نفر بوده است. به منظور جبران پرسشنامه های مخدوش و موارد غیرقابل پیش بینی این میزان ۷۰۰ نفر در نظر گرفته شد. بعد از بازبینی پرسشنامه ها و حذف موارد مخدوش تعداد ۶۶۷ پرسشنامه تکمیل شده وارد تحلیل نهایی شدند. پرسشنامه ها با توجه به تعداد دانشجویان هر دانشگاه بین یازده دانشگاه دولتی سهمیه بندی شد.

یافته های پژوهش

۱. توصیف اجمالی دانشجویان مورد مطالعه

بر اساس داده های به دست آمده ۹۵ درصد پاسخگویان در شهر و ۵ درصد آنها در روستا زندگی می کنند. همین طور ۵۲ درصد از پاسخگویان زن و ۴۸ درصد آنها مرد هستند. ۸۷ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه مجرد و ۱۳ درصد آنها متأهل هستند. ۶۵ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در مقطع کارشناسی، ۳۱ درصد در مقطع فوق لیسانس و ۳ درصد آنها در مقطع دکتری تحصیل می کنند. یافته های پژوهش نشان می دهد بیشترین مقدار تحصیلات پدر و مادر دانشجویان مربوط به مقطع دیپلم است و حدود ۶ درصد از پدران و ۳ درصد از مادران دانشجویان دارای مشاغل با منزلت بالا (استاد دانشگاه، پزشک، مترجم و ...) هستند.

۲. نتایج توصیفی داده های مربوط به هر یک از متغیرها

چنانچه گویه های مربوط به متغیرها همسان نباشد یعنی تعداد گزینه گویه ها متفاوت باشد به منظور اینکه سوالات قابل مقایسه و همسان شود آنها را تراز می کنیم. به این صورت که

ابتدا امتیازات خام پاسخگویان در نمونه تبدیل به نمرات Z می شود؛ $Z = \frac{x - \bar{x}}{s}$ سپس

نمرات افراد روی این متغیر با استفاده از فرمول: $T = 10Z + 50$ تبدیل به نمرات تراز شده جدید T می شود. میانگین و انحراف معیار توزیع فراوانی آن به ترتیب ۵۰ و ۱۰ می شود که این از خواص ریاضی نمرات T است. در ضمن با این تبدیل ماهیت توزیع فراوانی تغییر نمی کند،

بلکه فقط تغییر در مقیاس صورت گرفته است. بنابراین با تبدیل نمرات خام متغیر مزبور به نمرات تراز شده T میانگین و انحراف معیار آن ۵۰ و ۱۰ می شود. با عنایت به این نکته برای طبقه بندی متغیر مورد نظر با نمرات تراز شده جدید (T) یک واحد انحراف معیار بیشتر و کمتر از میانگین (۵۰) مقوله متوسط تلقی می شود. یعنی مقادیر ۴۰ تا ۶۰ با برچسب «تا حدودی» معرفی می شود. در نتیجه پاسخگویی که امتیاز بین ۴۰ تا ۶۰ (یک واحد انحراف معیار بالا یا پایین میانگین) اختیار کرده اند، در این طبقه جای می گیرند. مقادیر ۴۰ و کمتر، مقوله «کم» و مقادیر ۶۰ و بیشتر مقوله «زیاد» تلقی و معرفی می شود. با عنایت به این نکته پس از تراز کردن متغیرها آنها را با یکدیگر جمع کرده و سپس به منظور درک بهتر آن نمرات به سه طبقه کم، متوسط و زیاد تبدیل می شود.

۲-۱. نتایج توصیفی داده های متغیر وابسته: میزان تمایل به مشارکت سیاسی

نتایج حاصل از این پژوهش با ماهیت سلسله مراتبی و هرمی شکل میزان تمایل به مشارکت سیاسی بر اساس مدل لستر میلبراث و مایکل راش تطابق دارد. البته گویه ها متناسب با شرایط و ساختار سیاسی کشورمان طراحی شده اند. جدول زیر بیانگر این موضوع می باشد.

جدول شماره ۱: ماهیت سلسله مراتبی و هرمی شکل میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان

گویه	درصد تمایل
شرکت در انتخابات سراسری	٪۶۰
پی گیری اخبار و کسب اطلاعات سیاسی از طریق رسانه ها	٪۴۹
پرداختن به بحث سیاسی در کلاس یا خوابگاه یا محیط دانشگاه با سایر دانشجویان	٪۴۱
شرکت در اعتراضهای جمعی دانشجویان در خصوص مسائل صنفی و سیاسی	٪۲۷
شرکت در میتینگ ها و جلسات سیاسی احزاب و گروه ها	٪۲۶
سخنرانی یا مقاله نویسی در خصوص مسائل سیاسی	٪۲۲
تشویق دیگران به فعالیت سیاسی	٪۲۰
عضویت در انجمن اسلامی، بسیج و جامعه اسلامی دانشجویان	٪۱۸
عضویت در تشکل ها و گروه ها و احزاب سیاسی	٪۱۴
نام نویسی برای انتخاب شدن در انتخابات مرکزی تشکل های سیاسی دانشگاه	٪۱۳

منظور از ماهیت هرمی شکل مشارکت سیاسی این است که در قاعده هرم تعداد زیادی از افراد قرار می گیرند که حداقل درگیری را در سیاست دارند و با شرکت در انتخابات و رای دادن مشخص می شوند. هر قدر به مراتب بالاتر مشارکت سیاسی (رأس هرم) می رسیم تعداد افرادی که به جستجو یا احراز مقام های سیاسی می پردازند، به شدت کم می شود. از این رو مانند طیف بوگاردوس خصلتی انباشتی دارد. از آنجا که هر پاسخگو می توانسته چند گویه را

به عنوان میزان مشارکت سیاسی خود برگزینند، بنابراین، فراوانی‌های مجموع ۱۰ شاخص مطرح شده به عنوان میزان تمایل به مشارکت سیاسی هر فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد. با این توضیح که گویه‌های مربوط به مراتب بالاتر مشارکت سیاسی از ضریب بیشتر برخوردار خواهد بود. بر این اساس، میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان به شرح جدول زیر به دست آمد

جدول شماره ۲: توزیع نسبی جمعیت نمونه بر حسب میزان تمایل به مشارکت سیاسی

میزان تمایل به مشارکت سیاسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کم	۴۰۷	۶۱	۶۳/۷
متوسط	۱۵۰	۲۲/۵	۲۳/۵
زیاد	۸۲	۱۲/۳	۱۲/۸
بدون پاسخ	۲۸	۴/۲	
کل	۶۶۷	۱۰۰	۱۰۰

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد میزان تمایل به مشارکت سیاسی حدود ۶۴ درصد از دانشجویان مورد مطالعه «کم» و میزان تمایل به مشارکت سیاسی حدود ۱۳ درصد از آنها «زیاد» می‌باشد. ضمن اینکه حدود ۲۳ درصد از پاسخگویان در حد «متوسط» تمایل به مشارکت سیاسی دارند. به این ترتیب، این فرضیه که میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان کم است با توجه به یافته‌ای این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۲-۲. نتایج توصیفی داده‌های متغیر مستقل: میزان احساس کارایی سیاسی

منظور از احساس کارایی سیاسی این است که دانشجو تا چه حد احساس می‌کند، فعالیتهای او بر روند جریان‌های سیاسی اثر می‌گذارد و دانشجویان می‌توانند با فعالیت خود به خواسته‌های سیاسی خود دست یابند یا خیر؟ برای اندازه‌گیری متغیر احساس کارایی سیاسی که در سطح سنجش ترتیبی است از طیف لیکرت «خیلی موافق»، «موافق»، «متوسط»، «مخالف» و «خیلی مخالف» با کدهای از ۱ تا ۵ استفاده شده است. مجموع عددی کدهای فوق بیانگر میزان احساس کارایی سیاسی پاسخگو است. برای سنجش متغیر احساس کارایی سیاسی بعد از تأمین اعتبار محتوایی و صوری، ۱۳ شاخص برای سنجش احساس کارایی سیاسی به شرح جدول شماره ۳ در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۳: شاخص های مورد نظر جهت سنجش متغیر احساس کارایی سیاسی

ردیف	شاخص
۱	وجود تشکل ها و احزاب سیاسی مورد علاقه سلیقه های مختلف دانشجویان
۲	احترام نظام سیاسی به برگزاری آزاد نشست ها و تجمعات قانونی
۳	مناسب بودن شرایط برای ابراز عقاید آزادانه دانشجویان
۴	احترام نظام سیاسی فعلی به آزادی بیان دانشجویان
۵	احساس دانشجویان مبنی بر بدون مانع بودن فعالیت و شرکت آنها در امور سیاسی
۶	قائل بودن حق تصمیم گیری آزادانه مردم از سوی نظام سیاسی
۷	آزادی دانشجویان برای پرداختن به فعالیت سیاسی در نظام سیاسی فعلی
۸	بیان اظهار نظر آزادانه برای دانشجویان در نشست ها و تجمعات قانونی
۹	اداره جامعه بر اساس قانون اساسی
۱۰	میزان اثرگذاری نظرات دانشجویان بر تصمیم گیری اداره کنندگان جامعه
۱۱	میزان صرف وقت و انرژی دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاه
۱۲	میزان تأثیر فعالیت دانشجویان در جلب نظر مردم
۱۳	میزان تأثیر روش اعتراض، راهپیمایی و تحسن در اصلاح امور

به این ترتیب میزان احساس کارایی سیاسی دانشجویان به شرح جدول شماره ۴ به دست آمد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که میزان احساس کارایی سیاسی حدود ۴۸ درصد از دانشجویان مورد مطالعه «کم» و میزان احساس کارایی سیاسی حدود ۱۰ درصد از آنها «زیاد» می باشد. در این میان میزان احساس کارایی سیاسی حدود ۴۲ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در حد «متوسط» است.

جدول شماره ۴: توزیع نسبی جمعیت نمونه بر حسب میزان احساس کارایی سیاسی

میزان احساس کارایی سیاسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کم	۳۱۵	۴۷/۲	۴۸/۵
متوسط	۲۷۱	۴۰/۶	۴۱/۸
زیاد	۶۳	۹/۴	۹/۷
بدون پاسخ	۱۸	۲/۷	
کل	۶۶۷	۱۰۰	۱۰۰

۲-۳. بیان نتایج توصیفی داده های متغیر مستقل: آگاهی سیاسی

هدف از آگاهی سیاسی، ارزیابی میزان اطلاع از کم و کیف مسائل سیاسی است. متغیر آگاهی سیاسی با طرح ۱۳ پرسش به صورت بسته و نیمه باز در خصوص مسائل اجتماعی و سیاسی روز و جهان مورد ارزیابی قرار گرفته است. تعداد جوابهای درست به منزله میزان آگاهی سیاسی هر دانشجو محسوب می شود. سنجش متغیر آگاهی سیاسی در سطح ترتیبی

است که در سه سطح بالا، پائین و متوسط است. بر این اساس، میزان آگاهی سیاسی دانشجویان محاسبه شد یافته های پژوهش بیانگر آن است که میزان آگاهی سیاسی حدود ۷ درصد از پاسخگویان در حد "کم" و میزان آگاهی سیاسی حدود ۵۲ درصد از آنها "زیاد" و ۴۲ درصد از آنها نیز دارای آگاهی سیاسی در حد متوسط هستند.

جدول شماره ۵: توزیع نسبی جمعیت نمونه بر حسب میزان آگاهی سیاسی

میزان آگاهی سیاسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کم	۴۵	۶/۷	۶/۸
متوسط	۲۷۷	۴۱/۷	۴۱/۷
زیاد	۳۴۳	۵۱/۴	۵۱/۶
بدون پاسخ	۲	۰/۳	
کل	۶۶۷	۱۰۰	۱۰۰

۲-۴. نتایج توصیفی داده های متغیر مستقل: حساسیت سیاسی

در هر نظام سیاسی افراد و گروه های مختلف اجتماعی و اقتصادی نسبت به مسائل پیرامون خویش حساس بوده و اطلاعات و آگاهی هایی را از طریق رسانه های متفاوت کسب و پیگیری می کنند. میزان پیگیری این اخبار و اطلاعات از طریق رسانه ها با نام متغیر حساسیت سیاسی در این تحقیق گنجانده شده است. برای سنجش این مفهوم ۵ پرسش در نظر گرفته شد و همانطور که توضیح داده شد به دلیل همسان نبودن گویه ها، آنها با هم تراز شد و پس از ترکیب شاخص ها متغیر حساسیت سیاسی اندازه گیری می شود. از یافته های تحقیق چنین برمی آید که میزان حساسیت سیاسی حدود ۷۳ درصد از دانشجویان مورد مطالعه "کم" و میزان حساسیت سیاسی حدود ۳ درصد آنها "زیاد" و حدود ۲۵ درصد از آنها دارای حساسیت سیاسی در حد "متوسط" می باشند.

جدول شماره ۶: توزیع نسبی جمعیت نمونه بر حسب میزان حساسیت سیاسی

میزان حساسیت سیاسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کم	۴۴۶	۶۶/۹	۷۲/۶
متوسط	۱۵۲	۲۲/۸	۲۴/۸
زیاد	۱۶	۲/۴	۲/۶
بدون پاسخ	۵۳	۷/۹	
کل	۶۶۷	۱۰۰	۱۰۰

۲-۵. نتایج توصیفی داده‌های متغیر مستقل: پایگاه اجتماعی-اقتصادی

پایگاه اجتماعی-اقتصادی در این تحقیق از ترکیب شاخص های منزلت شغلی والدین، میزان تحصیلات والدین، محل سکونت دائمی و میزان درآمد متوسط خانواده بدست آمد و سپس به سه گروه دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی پائین، متوسط و بالا تقسیم شد. همان طور که در جدول شماره ۱۱ ملاحظه می شود پایگاه اجتماعی-اقتصادی حدود ۷۸ درصد از دانشجویان مورد مطالعه "پائین" و پایگاه اجتماعی-اقتصادی حدود ۳ درصد از آنها "بالا" است. ضمن اینکه پایگاه اجتماعی-اقتصادی حدود ۱۹ درصد از آنها در حد متوسط است.

جدول شماره ۷: توزیع نسبی جمعیت نمونه بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی

پایگاه اجتماعی اقتصادی	فراوانی	درصد	درصدمعتبر
پائین	۴۶۴	۶۹/۶	۷۷/۶
متوسط	۱۱۴	۱۷/۱	۱۹/۱
بالا	۲۰	۳	۳/۳
بدون پاسخ	۶۹	۱۰/۳	
کل	۶۶۷	۱۰۰	۱۰۰

۳. آزمون فرضیه ها (نتایج تحلیلی دو متغیره)

پایه و اساس تحلیل دو متغیره بررسی رابطه (پیوستگی) دو متغیر است. تفاوت روش های تحلیل و آمارها فقط در نحوه ارزیابی این عامل است. موقعی دو متغیر را مرتبط یا پیوسته می خوانیم که توزیع مقادیر یکی از متغیرها بر حسب مقادیر مختلف متغیر دیگر تغییر کند. با آگاهی از پیوستگی دو متغیر می توان بر پایه اطلاعات محدود به پیش بینی پرداخت. تحلیل دو متغیر روش منظمی برای سنجش پیوستگی است. در این پژوهش از روش جدول تقاطعی برای تحلیل دو متغیره استفاده شده است. جدول تقاطعی شیوه ای است برای ارائه داده ها به گونه ای که از طریق آن بتوان به راحتی و به طور مستقیم به وجود پیوستگی بین دو متغیر پی برد. کاربرد آماره های مناسب در تحلیل دو متغیره بستگی به سطح سنجش متغیرها دارد. چنانچه سطح سنجش ناهمسان باشد می توان سطوح سنجش بالاتر را به سطح سنجش پائین تقلیل داد. مثلا اگر متغیری فاصله ای باشد و دیگری ترتیبی، هر دو را ترتیبی در نظر می گیریم و ضریب همبستگی مناسب را به کار می بریم. چنانچه جدول تقاطعی مربعی داشته باشیم و سطح سنجش ترتیبی باشد از ضریب همبستگی تاو بی کندال Kendall's tau-b با دامنه ۱-۰ استفاده می شود. بر این اساس فرضیه های پژوهش را مورد آزمون و بررسی قرار خواهیم داد. وجود رابطه مثبت بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی و احساسی کارایی سیاسی، یکی از فرضیه های طرح شده می باشد. جدول شماره ۸ برای آزمون این فرضیه رسم شده است.

جدول شماره ۸: توزیع نسبی میزان تمایل به مشارکت سیاسی برحسب احساس کارایی سیاسی

احساس کارایی سیاسی					میزان تمایل به مشارکت سیاسی
کل	زیاد	متوسط	کم		
۱۶۵	۴	۵۰	۱۱۱	فراوانی	
۲۸/۵	۶/۷	۲۱	۳۹/۶	درصد	
۲۸۷	۲۵	۱۲۱	۱۴۱	فراوانی	
۴۹/۷	۴۱/۷	۵۰/۸	۵۰/۴	درصد	
۱۲۶	۳۱	۶۷	۲۸	فراوانی	
۲۱/۸	۵۱/۷	۲۸/۲	۱۰	درصد	
۵۷۸	۶۰	۲۳۸	۲۸۰	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
Kendall's tau-b=۰/۳۱۵ sig=۰/۰۰۰					

همان طور که ملاحظه می‌شود ۴۰ درصد کسانی که احساس کارایی سیاسی کمی دارند تمایل به مشارکت سیاسی کمی هم دارند و حدود ۵۲ درصد از دانشجویانی که احساس کارایی سیاسی زیاد دارند دارای تمایل به مشارکت سیاسی زیاد هم هستند. با مرور جدول فوق معلوم می‌شود هر چه احساس کارایی سیاسی بیشتر باشد تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد. ضریب آماری کندال این رابطه نیز برابر ۰/۳۱۵ می‌باشد که نشان از رابطه متوسط بین این دو متغیر می‌باشد.

به میزانی که دانشجویان نظرات خود را بر تصمیم مسئولین و مردم موثر بدانند و فضای جامعه را مساعد برای فعالیت سیاسی تشخیص دهند در نتیجه رغبت بیشتر برای مشارکت سیاسی خواهند داشت. اما یافته‌های این پژوهش، بیانگر آن است که حدود ۷۰ درصد از دانشجویان مورد مطالعه بر این اعتقادند که: «میزان اثرگذاری نظرات دانشجویان بر تصمیم اداره کنندگان جامعه در حد کم و خیلی کم می‌باشد». چنانچه در دانشجویان احساس کارایی سیاسی ایجاد شود و از فرهنگ سیاسی لازم برخوردار باشند، آنگاه آنها می‌توانند به عنوان رابط مطمئن و موثر بین «نخبگان سیاسی و فکری» و «مردم» نقش آفرینی کنند.

فرضیه‌های دیگر تحقیق حاکی از آن است که بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با آگاهی سیاسی و حساسیت سیاسی آنها رابطه مثبت وجود دارد. جدول‌های شماره ۹ و ۱۰ برای آزمون و ارزیابی این فرضیه‌ها ترسیم شده است. مرور این جدول‌ها بیانگر آن است که آگاهی سیاسی و حساسیت سیاسی دانشجویان بیشتر می‌شود، میزان تمایل به مشارکت سیاسی آنها نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۹: توزیع نسبی میزان تمایل به مشارکت سیاسی برحسب میزان آگاهی سیاسی

میزان آگاهی سیاسی					میزان تمایل به مشارکت سیاسی
کل	زیاد	متوسط	کم		
۱۷۱	۷۳	۸۱	۱۷	فراوانی	
۲۸/۹	۲۳/۹	۳۲/۷	۴۵/۹	درصد	
۲۹۲	۱۴۴	۱۳۲	۱۶	فراوانی	
۴۹/۴	۴۷/۱	۵۳/۲	۴۳/۲	درصد	
۱۲۸	۸۹	۳۵	۴	فراوانی	
۲۱/۷	۲۹/۱	۱۴/۱	۱۰/۸	درصد	
۵۹۱	۳۰۶	۲۴۸	۳۷	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
Kendall's tau-b=۰/۱۷۱ sig=۰/۰۰۰					

جدول شماره ۱۰: توزیع نسبی میزان تمایل به مشارکت سیاسی برحسب میزان حساسیت سیاسی

میزان حساسیت سیاسی					میزان تمایل به مشارکت سیاسی
کل	زیاد	متوسط	کم		
۱۵۲	۱	۲۴	۱۲۷	فراوانی	
۲۷/۳	۶/۳	۱۷/۵	۳۱/۵	درصد	
۲۸۰	۳	۶۵	۲۱۲	فراوانی	
۵۰/۴	۱۸/۸	۴۷/۴	۵۲/۶	درصد	
۱۲۴	۱۲	۴۸	۶۴	فراوانی	
۲۲/۳	۷۵	۳۵	۱۵/۹	درصد	
۵۵۶	۱۶	۱۳۷	۴۰۳	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
Kendall's tau-b=۰/۲۳۸ sig=۰/۰۰۰					

دانشجویان در تعامل اجتماعی که در فرایند جامعه پذیری رخ می دهد، آگاهی لازم در باره مکانیسم های سیاست و فعالیت های مرتبط با آن را کسب می کنند. در نتیجه آگاهی سیاسی آنها افزایش می یابد و با غلبه بر مشکلات و موانع مشارکت سیاسی در این عرصه فعال خواهند بود. تحقیق حاضر نشان می دهد که میزان آگاهی سیاسی حدود ۵۲ درصد از دانشجویان در حد زیاد می باشد. این مقدار از آگاهی سیاسی شاید قابل قبول باشد ولی با شرایط مطلوب که بر سیاسی بودن دانشگاه تاکید شده است فاصله دارد. هر چند محققان بر تأثیر توسعه اجتماعی - اقتصادی بر میزان آگاهی سیاسی افراد تاکید دارند اما به نظر می رسد مؤلفه اصلی در این میان فرهنگ اجتماعی و سیاسی جامعه است. بهبود شرایط اقتصادی اگر به

ارتقاء فرهنگ سیاسی و آموزش های عمومی در این زمینه منجر شود، افزایش مشارکت سیاسی را در پی خواهد داشت.

وسایل ارتباط جمعی با آگاهی بخشی و اطلاع رسانی به افراد جامعه و تشریح و تحلیل رویدادهای سیاسی - اجتماعی و تبیین افکار و دیدگاه های سیاسی متفاوت در جامعه در تصمیم گیری و فعالیت سیاسی دانشجویان تاثیرگذار هستند. در جامعه ما که به نوعی کار ویژه احزاب سیاسی را پیدا کرده است، زیاد می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد حساسی سیاسی حدود ۷۳ درصد از دانشجویان در حد کم می باشد. بخشی از این موضوع مربوط به ماهیت زندگی دانشجویی و عدم امکان تهیه این وسایل و یا در دسترسی نبودن آن در خوابگاه هاست. اعتماد دانشجویان به وسائل ارتباط جمعی، فراگیر و فراجناحی بودن رسانه ها به خصوص رسانه ملی در کمیت و کیفیت حساسیت سیاسی دانشجویان مؤثر است.

جدول شماره ۱۱: توزیع نسبی میزان تمایل به مشارکت سیاسی بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی

پایگاه اجتماعی - اقتصادی					میزان تمایل به مشارکت سیاسی
کل	زیاد	متوسط	کم	فراوانی	
۱۴۹	۳	۳۲	۱۱۴	درصد	
۲۷/۷	۱۵/۸	۲۹/۹	۲۷/۷	کم	
۲۶۹	۱۱	۵۳	۲۰۵	فراوانی	
۵۰	۵۷/۹	۴۹/۵	۴۹/۸	درصد	
۱۲۰	۵	۲۲	۹۳	فراوانی	
۲۲/۳	۲۶/۳	۲۰/۶	۲۲/۶	درصد	
۵۳۸	۱۹	۱۰۷	۴۱۲	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
Kendall's tau-b=۰/۰۰۲ sig=۰/۹۵۳					

همان طور که ملاحظه می شود میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین حدود ۲۳ و میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا حدود ۲۶ می باشد. افزایش ۳ درصدی میزان تمایل به مشارکت سیاسی گویای این است که میزان تمایل به مشارکت سیاسی طبقه بالا به میزان ناچیز بیشتر از تمایل به مشارکت سیاسی طبقه پائین است. با ملاحظه ضریب آماری و سطح معنی دار آن می توان اظهار نمود که هر چند اختلاف ناچیزی در میزان مشارکت طبقه بالا و پائین وجود دارد، ولی نمی توان این رابطه را معنی دار دانست.

شاید بتوان چنین استدلال کرد که با توجه به جامعه آماری این تحقیق که فقط دانشجویان هستند و تعداد بسیار کم از آنها شاغل و دارای استقلال مالی می باشند، امکان اینکه تاثیر مستقیم پایگاه اجتماعی - اقتصادی را بر مشارکت سیاسی بسنجیم فراهم نبود. از طرف دیگر نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد اکثریت دانشجویان یعنی حدود ۷۸ درصد، از خانواده های با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین هستند و طبق نظریه های موجود باید میزان تمایل به مشارکت سیاسی کمی داشته باشند؛ اما اختلاف تحصیلات بین والدین و دانشجویان باعث می شود میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با والدین آنها و یا پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها متفاوت باشد.

۴. تحلیل رگرسیون داده ها

رگرسیون چندمتغیره را می توان برای تحلیلی که متغیر وابسته آن فاصله ای است و دارای یک و یا چند متغیر اسمی یا ترتیبی است که دو یا چند طبقه دارند بسط داد. رگرسیون برای به دست آوردن معادله ای است که با استفاده از آن به پیش بینی متغیر وابسته پرداخته می شود. اهمیت اصلی روش رگرسیون در امکان به کارگیری آن برای تبیین هم زمان روابط چندین متغیر مستقل با متغیر وابسته می باشد. در تحقیق حاضر به منظور تحلیل علی متغیرهای مؤثر بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی ابتدا به روش جبری اینتر تاثیرات تمام متغیرها به صورت یک جا بر روی متغیر وابسته سنجیده شد که جدول شماره ۱۲ حاصل عملیات آماری فوق می باشد.

جدول شماره ۱۲- رگرسیون چندمتغیره برای شناخت عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (میزان تمایل به

مشارکت سیاسی)

Sig.	t	Beta	Std.Error	B	نام متغیر
۰/۰۰۱	۳/۴۳۴		۸/۲۹۲	۲۸/۴۷۳	(Constant)
۰/۶۰۲	-۰/۵۲۱	-۰/۰۳۳	۰/۲۷۸	-۰/۱۴۵	سن
۰/۱۱۵	-۱/۵۸۰	-۰/۰۷۷	۱/۴۲۱	-۲/۲۴۵	جنسیت
۰/۵۴۶	-۰/۶۰۴	-۰/۰۳۱	۲/۳۷۴	-۱/۴۳۴	وضعیت تأهل
۰/۲۸۱	۱/۰۷۹	۰/۰۵۰	۰/۱۶۹	۰/۱۸۲	نام دانشگاه
۰/۶۹۰	۰/۳۹۹	۰/۰۱۸	۰/۱۷۹	۰/۰۷۱	نام دانشکده
۰/۵۶۵	-۰/۵۷۶	-۰/۰۳۳	۱/۶۴۲	-۰/۹۴۶	میزان تحصیلات
۰/۰۰۳	۸/۴۵۴	۰/۱۲۶	۰/۱۲۸	۸/۱۲۰	احساس کارایی سیاسی
۰/۴۱۶	۰/۸۱۴	۰/۰۸۹	۰/۱۵۰	۰/۱۲۲	اعتماد به نظام سیاسی
۰/۶۶۵	۰/۴۳۴	۰/۰۴۱	۰/۱۲۷	۰/۰۵۵	اعتماد سیاسی به مسئولین

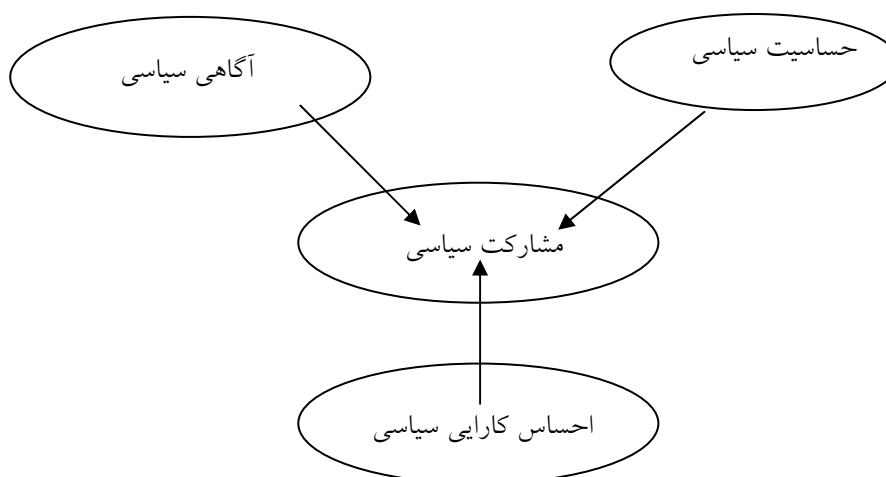
۰/۰۰۶	۲/۷۴۵	۰/۱۳۲	۰/۲۳۴	۰/۶۴۳	آگاهی سیاسی
۰/۰۰۰	۹/۵۹۷	۰/۴۵۰	۰/۰۰۹	۰/۰۹۱	حساسیت سیاسی
۰/۴۰۹	۰/۸۲۷	۰/۰۳۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	پایگاه اجتماعی - اقتصادی

همان طور که ملاحظه می شود متغیر احساس کارایی سیاسی به میزان ۰/۱۲۶، متغیر آگاهی سیاسی به میزان ۰/۱۳۲ و متغیر حساسیت سیاسی به میزان ۰/۴۵۰ از تغییرات متغیر وابسته یعنی میزان تمایل به مشارکت سیاسی را تبیین می کنند. مقدار آزمون فیشر ۱۳/۸۷ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ نشان دهنده این است که رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته معنی دار است. میزان همبستگی رگرسیون متغیره (R=۰/۵۷) نمایانگر همبستگی متوسط و رو به بالای مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته می باشد. ضریب تبیین رابطه نیز برابر ۰/۲۹ است و نشان دهنده این است که حدود ۳۰ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل تبیین شده است. بنابراین به طور کلی معادله برآورد میزان تمایل به مشارکت سیاسی به قرار زیر است:

$$y = (\text{میزان تمایل به مشارکت سیاسی است}) = \text{حساسیت سیاسی (۰/۴۵۰)} + \text{آگاهی سیاسی (۰/۱۳۲)} + \text{احساس کارایی سیاسی (۰/۱۲۶)} + (۲۸/۴۷)$$

بر این اساس، ملاحظه می شود که در مجموع سه متغیر حساسیت سیاسی، آگاهی سیاسی و احساس کارایی سیاسی توانسته اند وارد مدل رگرسیونی شوند. مدل تجربی حاصل از یافته های این آزمون را می توان به شکل زیر نمایش داد.

نمودار شماره ۲: مدل رگرسیونی متغیرهای مستقل و وابسته



نتیجه

هدف از این پژوهش که با روش پیمایش در یازده دانشگاه دولتی شهر تهران انجام شد، بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. تاکید پژوهش حاضر بر پایین بودن مشارکت سیاسی دانشجویان و شناسایی برخی عوامل مؤثر بر آن است. مبانی نظری پژوهش بر اساس رویکردهای روان شناختی، مدرنیزاسیون، کنش متقابل نمادین و کارکردگرایی ساختاری شکل گرفته است و با انتخاب متغیرهایی از هر رویکرد مدل نظری پژوهش ارائه شده است. متغیر وابسته این تحقیق، میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و متغیرهای مستقل عبارتند از: احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی، حساسیت سیاسی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی. از سنجش رابطه بین متغیر وابسته میزان تمایل به مشارکت سیاسی و متغیرهای مستقل نتایج زیر به دست آمد:

میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی و حساسیت سیاسی آنها رابطه مستقیم و مثبت دارد.

میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها رابطه معناداری ندارد.

نتایج توصیفی داده‌های متغیر وابسته نشان می‌دهد: میزان تمایل به مشارکت سیاسی حدود ۶۴ درصد از دانشجویان کم می‌باشد. همینطور نتایج توصیفی داده‌های متغیرهای مستقل بیانگر آن است که: میزان احساس کارایی سیاسی حدود ۴۸ درصد از دانشجویان در حد کم و احساس کارایی سیاسی ۱۰ درصد آنها زیاد می‌باشد. میزان آگاهی سیاسی حدود ۵۲ درصد از دانشجویان زیاد و حساسیت سیاسی حدود ۷۳ درصد از دانشجویان مورد مطالعه کم می‌باشد. پایگاه اجتماعی - اقتصادی حدود ۷۸ درصد از دانشجویان نیز پائین است.

بخش دیگر یافته‌های این پژوهش مربوط به تحلیل رگرسیونی داده‌ها است. در مدل رگرسیونی به دست آمده متغیرهای احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی و حساسیت سیاسی وارد معادله شدند. این سه متغیر تأثیری قابل توجه در مشارکت سیاسی دانشجویان دارند. با توجه به اهمیت و جایگاه دانشگاه و دانشگاهیان در نظام جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد می‌توان با گزینش راهبردهای مناسب در جهت رفع موانع مشارکت و با تمرکز بر عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان به خصوص احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی، حساسیت سیاسی دانشجویان، زمینه را برای در صحنه نگه داشتن و افزایش اعتماد آنها به نظام و مسئولین فراهم کرد. بدیهی است بهره برداری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جریان‌های دانشجویی و تبدیل دانشگاه به فرصت‌دهنده کارآمدی نظام و حرکت در مسیر مشارکت سیاسی حداکثری می‌باشد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه: غلام‌رضا خواجه‌سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. چلبی، مسعود (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: نشر نی. ص ۲۸۱.
۳. دواس، دی (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ ناییب. تهران: نشر نی. ص ۱۷۱.
۴. راش، مایکل (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: سمت.
۵. غیاثی، مینو (۱۳۸۳). آمار آموزش عالی ایران. تهران: مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی. ص ۵۳.

ب. خارجی:

1. Orum. Anthony M(1989). **Introduction to political sociology the Social Anatomy of body politic**. Third Edition. P. 247.
2. Sills, P. (1968), **Political Partical Participation, International Encyclopedia of the social science**. New: collier. M, Millan. Vol 12 No3.
3. Van Deth, Jan W. (2001). **Studing Political Participation: Towards a Theory of Every Thing**. Internet: Google site.